



پاکستان ۲۲۵
میلیون نفر
جمعیت دارد که
۲۰ درصد آن را
شیعیان تشکیل
می دهند. آنها
علاقه مند به
گردشگری
مذهبی در ایران
هستند و در
ایام راهپیمایی
اربعین نیز از
همین مرز وارد
ایران شده و
به سمت عراق
حرکت می کنند

یک روز در میرجاوه؛ دروازه جنوب شرق کشور

سهم ما از مرز

شاهین اهل تفتان پاکستان است و در بازارچه مرزی میرجاوه مشغول بار زدن انار ساوه می‌پرسم فارسی بلد است یا نه، می‌گوید مثل همه اهالی تفتان فارسی را خیلی خوب حرف می‌زند. از کار در این بازارچه راضی است و به قول خودش روزی ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان ابرونی گیرش می‌آید. «ایرونی» را قشنگ مثل بچه‌های تهران تلفظ می‌کند. می‌گوید: «بگیر! بعد هم بنویس کسب و کار تفتانی‌ها رونق گرفته، خیلی راضی هستیم.»

عبدالخالق و دوستش که درحال انتقال کارت‌های بیسکوئیت از نیشان آبی به چرخ دستی‌ها هستند، داد می‌زنند بیا با ما هم حرف بزن. آنها هم پاکستانی‌اند و از کار در بازارچه حسابی خوشحالند: «چرا خوشحال نباشیم، خیلی هم راضی و خوشحالی» دوستش می‌گوید من راضی نیستم؛ دست من را نگاه کن ببین چی شده؟ من غریبم نه پدر دارم نه مادر، تنها و بی‌کسم، چرا مسئولین کمک نمی‌کنند؟» دوستش می‌گوید تازه مجرد هم هست. فکرمی‌کم ایرانی است تا اینکه کارت ملی‌اش را با پرچم پاکستان نشانم می‌دهد. تازه متوجه می‌شوم فقط راننده‌های نیشان آبی ایرانی‌اند و چرخ دستی‌ها و گاری‌ها متعلق به کارگران پاکستانی است. هرچند میرجاوه‌ای‌ها و تفتانی‌ها آنقدر درهم تنیده‌اند که گاه تشخیص ایرانی یا پاکستانی بودن سخت است.

راننده میرجاوه‌ای روی پشت‌بام

صادر شده است. جابه‌جایی بار بویژه گاز مایع از طریق گمرک و زغال‌سنگ و کالاهای دیگر از طریق راه‌آهن هم در جریان است. چنانکه پیش از ورود به میرجاوه می‌توانید تانکرهای حمل گاز را ببینید که پشت سر هم و مماس با مرز به سمت گمرک در حرکتند. اما داستان بازارچه مرزی چیز دیگری است. بازارچه‌ای که لاقلاً ۷۰۰ راننده میرجاوه‌ای را درگیر صادرات کرده و قرار است حلقه دیگری به نام غرفه‌داران هم به این جمع اضافه شوند. بنابراین کامیون‌ها مستقیم وارد تفتان نمی‌شوند تا اهالی هم بتوانند در ثروتی به نام مرز سهیم باشند. بازارچه یک سال بیشتر نیست که ساماندهی شده و شکل و شمایل تازه‌ای به خود گرفته، اما راننده‌ها از نبود سرویس بهداشتی و خدمات دیگری مثل غذاخوری و استراحتگاه گله دارند. سعید ریگی یکی از آنهاست: «از هر ماشین ۱۰۰ هزار تومان می‌گیرند اما خدماتی به ما نمی‌دهند. از آن طرف هم خیلی توی صف می‌مانیم و کار گاهی خیلی کند پیش می‌رود. وگرنه از نظر برخورد مسئولان و برنامه‌های که برای بازارچه پیاده کرده‌اند، حرف ندارد. شکر خدا خیلی خوب است. همه ما هم ممنونیم. من میرجاوه‌ای هستم و تا یادم می‌آید این حالت بهترین حالتی بوده که در مرز اتفاق افتاده است. الان روزی ۴۰۰ تا نیشان رد می‌شود اما انتظار ما این است که سریع‌تر پیش برود و ماشین‌ها زودتر ترخیص شوند.»

کرده‌اند، حرف ندارد. شکر خدا خیلی خوب است. همه ما هم ممنونیم. من میرجاوه‌ای هستم و تا یادم می‌آید این حالت بهترین حالتی بوده که در مرز اتفاق افتاده است. الان روزی ۴۰۰ تا نیشان رد می‌شود اما انتظار ما این است که سریع‌تر پیش برود و ماشین‌ها زودتر ترخیص شوند.»

کرده‌اند، حرف ندارد. شکر خدا خیلی خوب است. همه ما هم ممنونیم. من میرجاوه‌ای هستم و تا یادم می‌آید این حالت بهترین حالتی بوده که در مرز اتفاق افتاده است. الان روزی ۴۰۰ تا نیشان رد می‌شود اما انتظار ما این است که سریع‌تر پیش برود و ماشین‌ها زودتر ترخیص شوند.»

بهرتر دوباره روی روال بیفتد و خدا را شکر وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی هم قبول کرده‌اند که یک سری معافیت در این زمینه قائل شوند.

ما در میرجاوه هم بازارچه مرزی داریم هم پایانه مرزی و هم گمرک که متأسفانه هنوز گمرک هیچ منفعت مالی برای خود شهرستان میرجاوه نداشته و درحال پیگیری هستیم که اگر بشود درصدی از عواید آن به همین جا اختصاص داده شود تا زیرساخت‌های شهر توسعه پیدا کند و چهره بهتری به خود بگیرد. پیش‌بینی خود من این است که اگر چنین اتفاقی بیفتد میرجاوه با توجه به ظرفیت‌های مرز می‌تواند از کیش و قشم هم رونق بیشتری داشته باشد. در چنین شهری نباید حقوق کارگر چهار ماه عقب بیفتد. .

پاکستان ۲۲۵ میلیون نفر جمعیت دارد که ۲۰ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. آنها علاقه‌مند به گردشگری مذهبی در ایران هستند و در ایام راهپیمایی اربعین نیز از همین مرز وارد ایران شده و به سمت عراق حرکت می‌کنند. پر همین اساس دو سه سال پیش، آستان قدس رضوی، تجهیز و توسعه پایانه مرزی میرجاوه را به عهده گرفت و زائرسرای بزرگ و مدرنی هم برای زوار پاکستانی ساخت تا دروازه جنوب شرق ایران سرو و شکل آبرومندانه‌ای به خود بگیرد. پیش از کرونا و اتفاقاتی مثل سیل در پاکستان، سالانه ۱۲۰ هزار زائر فقط در ایام اربعین از مرز میرجاوه وارد کشور شده‌اند و پیش‌بینی می‌شود با توجه به تمهیدات فعلی این جمعیت به



۲۰۰ هزار نفر نیز برسد. فریدون رضایی مسئول زائرسرا یکی یکی در سالن‌ها یا خوابگاه‌ها را باز می‌کند و می‌گوید چطور است؟ می‌گویم عالی، از این بهتر نمی‌شود. می‌گوید: «فقیرترین زوار امام رضا (ع) اینجا می‌آیند، کسانی که حتی کفش درست و حسابی هم به پا ندارند. امسال ایام اربعین چنان عاشقانه نماز می‌خواندند که حال همه ما دگرگون شد. علاوه بر زائران اهل بیت این زائرسرا برای همه مسافران پاکستانی خوب شد. همین دیشب دو سه اتوبوس مسافر داشتیم که دیر به مرز رسیده بودند و شب را اینجا ماندند.»

ردیف دوش‌های شیک، سرویس‌های بهداشتی شکیل، سالن‌های استراحت زنانه و مردانه، نمازخانه‌ها، صحن بزرگ و اورژانسی با یک آمبولانس آماده... و اطلاعاتی که به زبان اردو این طرف و آن طرف می‌بینی همه و همه در حد آبروی دروازه جنوب شرق کشور است.

به پایانه مرزی هم سری می‌زنم تا لاقلاً در تفتان پاکستان سیگاری بگیرم و برگردم. مسئولان توضیح می‌دهند که اینجا تا همین سال گذشته چطور پراز خاک و خل بوده و سالن کوچکی با دو کیت داشته که نمی‌توانسته‌اند به سرعت کار مسافران را برای ورود و خروج راه بندازند. این پایانه حالا سالنی بزرگ و مجهز با ۱۶ کیت دارد.

حسینعلی شاه‌کرم، مدیر پایانه مرزی میرجاوه می‌گوید قبلاً اینجا کوچک و محدود بود و وضعیت مناسبی نداشت: «وقتی مسافر زیاد می‌شد، مجبور می‌شدیم توی حیاط، کانتینر بگذاریم و کیت صحرایی درست کنیم که ترافیک نشود اما خدا را شکر امسال، شب بود که ۸ هزار مسافر داشتیم و مشکلی پیش نیامد.»

وارد تفتان شوم و فضای آن طرف را هم ببینم. به حرف‌های حاجی ناکام ریگی در بازارچه مرزی فکر می‌کنم که می‌گفت: «تا وقتی اینجا کار رونق دارد، کسی به فکر قاچاق نمی‌افتد. مخصوصاً آن طرف که خیلی وضع‌شان بد است. گدای ما هم پیش آنها پادشاست.» از دروازه جنوب شرق، نگاهی به پرچم زیبای کشورمان می‌اندازم و برمی‌گردم.



برش